

نقدی بر پژوهش‌های اقتصادی در ایران: رهیافت نظریه سه جهان پوپر

محمود محمودزاده

دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه

Mahmod.ma@yahoo.com

چکیده

هدف این مقاله ارزیابی نقادانه محتوای مقالات اقتصادی در ایران است. برای دستیابی به این هدف، ۱۲۸۵ مقاله علمی-پژوهشی گردآوری و بر مبنای طبقه‌بندی مجله *ادبیات اقتصادی* ساماندهی شده‌اند. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد ۹۶ درصد مقالات، با عنوان "کاربردی" و ۹۹ درصد با "روش علی" و با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادسنجی در محورهای "اقتصاد کلان و پولی"، "اقتصاد بین‌الملل"، "اقتصاد مالی" و "اقتصاد کشاورزی و محیط زیست" نوشته شده‌اند. برای نقد مقالات از نظریه "سه جهان" و تفکر نقادی پوپر بهره‌برداری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد گستره تحقیقات اقتصادی در ایران محدود است. به نظر می‌رسد "جهان ۲" و "جهان ۳" محققان (به تعبیر پوپر) از غنای لازم برخوردار نبوده و به همین علت اثرگذاری دانش‌آموختگان اقتصادی در "جهان ۱" نیز اندک است. از اهم دلایل کاستی پژوهش‌ها می‌توان به مسئله محور نبودن، صورت‌بندی افراطی ریاضی، نا‌آشنایی با سایر علوم اجتماعی و نبود تفکر نقادانه اشاره کرد. برای سودمندی بیشتر دانش اقتصاد آشتی دادن «حقایق آشکار شده» و «نظریات ناسازگار» ضروری است. طرح دیدگاه‌های متنوع معرفتی، ترویج تفکر نقادانه، آشنایی با معرفت‌های نوع دوم و رشته‌های علوم اجتماعی از عوامل گسترش علوم اقتصادی است که این علم را در حل مسائل جامعه تواناتر می‌کند.

طبقه‌بندی JEL: B41, B10

واژه‌های کلیدی: تفکر نقادانه، نظریه سه جهان، مقالات علمی-پژوهشی.

۱. مقدمه

برخی علم را نوعی فعالیت "حل مسئله"^۱ می‌دانند. در نظر آنان، معیار پیشرفت در یک رشته علمی، "حل مسئله" است. مسائل علمی را می‌توان به مسائل تجربی و مسائل مفهومی تقسیم کرد. مسائل تجربی از پرسش‌های بنیادین درباره ساختار یا مناسبات قلمرو امور واقع^۲ تشکیل می‌شود. حال آنکه مسائل مفهومی یا به هنگام مواجهه با نظریه‌ای ناسازگار و یا هنگام تعارض میان یک نظریه و پیش-فرض‌های روش‌شناسانه قلمرو یک رشته علمی معنا پیدا می‌کند (لازی، ترجمه پایا، ۱۳۷۷). در یک قلمرو علمی، وقتی پیشرفت حاصل می‌شود که آن علم توانایی خود را برای حل مسئله نشان دهد.

پیشرفت علمی ممکن است به روش‌های گوناگون حاصل شود. یکی از این روش‌ها، افزایش مسائل تجربی حل شده است. لائون^۳ معتقد است که یک نظریه ممکن است یک مسئله تجربی را حل کند؛ حتی اگر آن نظریه حاوی "حل تقریبی" مسئله باشد. نوع دوم پیشرفت حل یک مورد "خلاف قاعده"^۴ است. افزودن فرضیه‌های کمکی برای تبیین مسائل حل نشده از جمله راه‌های از سر راه برداشتن "خلاف قاعده" است. نوع سوم، ایجاد هماهنگی مفهومی^۵ میان نظریه‌های به ظاهر رقیب است.

تحقیق علمی، بررسی سازمان یافته، کنترل شده، تجربی و انتقادی در مورد پدیده‌های طبیعی است که مناسبات احتمالی بین این پدیده‌ها در قالب نظریه و فرضیه، ساماندهی می‌شوند (کرلینجر^۶، ۱۳۷۴). آنچه موجب پیشرفت علم شده، شناخت و درک عمیق روش‌ها و شیوه‌هایی است که بشر برای پیشرفت علم به کار بسته است. به عبارت دیگر، روش‌ها، ابزارهای دستیابی به واقعیت^۷ هستند. در واقع، روش‌های علمی^۸ تورهایی هستند که محققان با حدس و گمانه‌های خود به دنبال شکار واقعیت هستند. اگر این مدل‌های ذهنی و نظری بتوانند جنبه‌ای از واقعیت را شرح دهند و در آزمون‌های تجربی سربلند بیرون بیایند و مطابق با واقعیت باشند به حقیقت دست یافته‌اند (معرفت ایجابی). در غیر این صورت، با آگاهی از تهی بودن این حدس‌ها، به دنبال گمانه‌های دیگر برای درک حقیقت می‌روند (معرفت سلبی).

-
1. Problem Solving Activity
 2. State of Affairs
 3. Laudan
 4. Anomaly
 5. Conceptual Harmony
 6. Kerlinger
 7. Facts
 8. Scientific Method

البته علم تجربی بر یک مبنای خلل ناپذیر بنا نشده است. ساختار نظریه‌ها از درون یک مرداب سر برمی‌آورند. ساختمان علم نظیر بنایی است که بر روی ستون‌هایی برپا شده است. ستون‌ها از بالا به درون مرداب رانده شده اما بر روی هیچ پایه معینی جای نگرفته‌اند و هنگامی که کار پایین راندن ستون‌ها را متوقف می‌کنیم به این دلیل نیست که به زمین سختی رسیده‌ایم. کار را صرفاً به این دلیل متوقف کرده‌ایم که قانع شده‌ایم ستون‌ها، لااقل در این مقطع از زمان، از استحکام کافی برای تحمل وزن ساختاری که بر آنها نهاده شده، برخوردار هستند (پوپر، ۱۹۵۹).

مواجهه با واقعیت به دو صورت به انجام می‌رسد. ۱. در قالب آزمون و تجربه بیرونی. این امر، در مورد آن دسته از نظریه‌ها میسر است که دارای محتوای تجربی باشند. ۲. به مدد نقادی نظری. نقادی نظری عبارت است از مواجه کردن یک تلقی از واقعیت با تلقی‌های رقیب از واقعیت. به همین دلیل است که نقادی در محیطی که از اندیشه‌های متنوع برخوردار است، شانس کشف و حذف خطای راه یافته در یک حدس و گمان خاص را افزایش می‌دهد و دقیقاً به همین دلیل است که هیچ فردی نمی‌تواند در دنیای تنهای خود به خطای خویش پی ببرد. زیرا با تصویرهای دیگر از واقعیت روبه‌رو نیست (پایا، ۱۳۹۳).

معمولاً طبقه‌بندی واحدی از تحقیقات وجود ندارد. یکی از معیارهای طبقه‌بندی تحقیقات، تفکیک آنها به پژوهش‌های بنیادی و کاربردی است. تحقیقات بنیادی مرزهای دانش را گسترش می‌دهند. این تحقیقات زمان‌بر و هزینه‌بر بوده و بعضاً، پس از سال‌ها نقد و بررسی‌های تحلیلی، حالت کاربردی پیدا می‌کنند. این تحقیقات، اغلب سرمشق‌ها و انگاره‌های کلی را تغییر و پرسش‌های جدیدی را طرح و تبیین می‌کنند و، به دنبال آن، پاسخ‌های متفاوت نیز ارائه می‌شود.

تحقیقات کاربردی^۱ به دنبال به کار بستن علم و دانش برای برطرف کردن مسائل هستند. این نوع پژوهش با استفاده از معلومات کسب شده و با تأکید بر قوانین، نظریه‌ها و نتایج تحقیقات بنیادی برای رفع نیازمندی‌های بشر، بهبود و بهینه‌سازی ابزارها و روش‌ها، به منظور توسعه رفاه و ارتقای سطح زندگی، صورت می‌گیرد^۲ (نیومن^۳، ۱۹۹۷).

1. Applied

۲. تحقیق عملی نوع خاصی از تحقیق کاربردی است که برای "حل مسئله‌ای" به کار می‌رود و نتایج آن مستقیماً برای حل مسئله‌ای خاص کاربرد دارد. از این‌رو، خصلت محلی و موضعی دارند و خاصیت تعمیم‌پذیری ندارند. این نوع تحقیق نیز بر قوانین و نتایج تحقیقات بنیادی تکیه دارند.

3. Neuman

آیا محققان دلخواهانه و از روی ذوق و سلیقه موضوعات تحقیق را گزینش می‌کنند و یا در قالب برنامه‌های پژوهشی حاکم فعالیت می‌کنند؟ پاسخ این پرسش روشن نیست. برخی بر این باورند عالمان نه چون کاوشگران آگاه، بلکه همانند غافلان هستند که در بطن یک الگوی خاص تقلید می‌کنند تا زمانی که این الگوها اعتبار خود را از دست می‌دهند (مقدمه کتاب آرتور برت، ۱۳۶۹).

یکی از راه‌های رایج و پذیرفته شده برای اشاعه یافته‌های پژوهشی، انتشار مقالات در مجلات است. امروزه تعداد و کیفیت مقالات به عنوان معیاری مهم برای سنجش رتبه و جایگاه علمی هر رشته علمی به حساب می‌آید (دنيس^۱، ۲۰۰۷).

در رشته علوم اقتصادی نیز مقالات زیادی در ایران منتشر شده است و به نظر می‌رسد که عمده این مقالات در زمینه‌های خاص منتشر می‌شود. بر این مبنای این پرسش‌ها مطرح است: مقالات اقتصادی منتشر شده در ایران چه گستره‌ای را پوشش می‌دهند؟ چگونه می‌توان گستره مقالات انتشار یافته را نقد و بررسی کرد؟ این مقالات تا چه حدی در حل مشکلات اقتصادی ایران مفید هستند؟ با توجه به گسترش روزافزون مجلات اقتصادی و مقالات، نقد و اثرگذاری این مقالات ضروری می‌نماید.

بی تردید نقد و ارزیابی دستاوردهای پژوهشی، محیط و فضا را برای پرورش ایده‌ها و تضارب آرا و افکار و سوق‌دهی منابع فکری و سرمایه‌ای فراهم می‌کند و این ضرورت برای رشته‌ای مانند اقتصاد که سال‌ها از تدوین آن در ایران می‌گذرد و به آستانه بلوغ در آموزش و پژوهش رسیده، ضروری می‌نماید.

در ادامه، مواد و روش‌ها تبیین شده و به دنبال آن حقایق آشکار شده، آمده است و سپس با کمک دو بخش پیشین، نقدهایی بر پژوهش‌های اقتصادی وارد شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ماهیت تفکر نقادانه

از نظر پوپر هدف علم تجربی شناخت امور واقع است. این شناخت، مبتنی بر تفسیر و تبیین علل رخدادهاست و اصولاً نظریه‌پردازی‌های علمی برای ساختن تصویری منطبق با واقع از جهان می‌باشند (سجادی به نقل از پوپر، ۱۹۵۷).

علم تجربی دست کم باید واجد ۳ ویژگی باشد:

- عینیت: علم در معنای عینی از ادعای هر فردی مستقل است؛ همچنین مستقل از باور هر کس و تمایل او به پذیرفتن یا تصدیق و عمل کردن است (پوپر، ۱۹۷۹). عینیت گزاره‌های علمی به معنای آزمون‌پذیری همگانی آنهاست^۱ (سجادی، ۱۳۹۰).

- معقولیت: معقولیت به معنای قابلیت نقد و آزمون‌پذیری است.

- واقع‌نمایی: علم تجربی باید تصویر درستی از واقعیت ارائه کند. علم تجربی به دنبال توصیفی درست از جهان است هر چند ممکن است هرگز به آن هدف دست نیابد اما همواره به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود (سجادی، ۱۳۹۰).

در تفکر انتقادی فرض می‌شود همه معرفت‌های انسانی، همراه با خطاست ولیکن معرفت سره از ناسره را می‌توان بازشناخت. باید از اموری از قبیل توجیه و اثبات دوری کرد و می‌توان از طریق ابطال فرضیه‌ها به سراغ «واقعیت» رفت. فقط حذف خطاهاست که زمینه را برای درک واقعیت فراهم می‌کند (اکبری و زیبا کلام، ۱۳۹۰).

پوپر، عقلانیت و درس‌گیری از روش حدس و ابطال را «عقلانیت انتقادی» می‌نامد و معتقد است برای واژه «عقلانی» مترادفی بهتر از «انتقادی» وجود ندارد (پوپر، ۱۹۵۹: ۱۶؛ پوپر، ۱۹۶۳: ۲۴۸).

نگرش انتقادی در مقابل رویکرد جزمی^۲ قرار می‌گیرد که به دنبال دفاع از نظریه‌ها و حفظ آنها و اثبات قوانین از طریق جست‌وجوی شواهد تأییدکننده و چشم‌پوشی از موارد ابطال است. سنت رویکرد عقلانیت، مباحثه آزاد و آزمون نظریه‌ها برای کشف کاستی‌ها، اصلاح و احتمالاً کنار گذاشتن و جایگزینی آنهاست (پوپر، ۱۹۶۳: ۵۰-۵۱). البته او دایره نقدپذیری را گسترده‌تر از دایره ابطال‌پذیری تجربی می‌داند.

بنابراین، با تفکر نقادی می‌توان از تعصب‌های نژاد، ملیت، تاریخ، علایق فردی، پیش‌زمینه‌های معرفتی شخصی و موانع زبانی و فرهنگی گذر کرد (اکبری و زیبا کلام، ۱۳۹۱: ۴۲).

تفکر نقادی^۳ در واقع روش نقد اندیشه‌هاست. برای نقادی معمولاً از منطق صوری، معرفت‌شناسی، فلسفه علم و روش‌شناسی بهره‌برداری می‌شود (ملکیان، ۱۳۹۳).

۱. تعبیر حافظ در این زمینه جالب است.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد

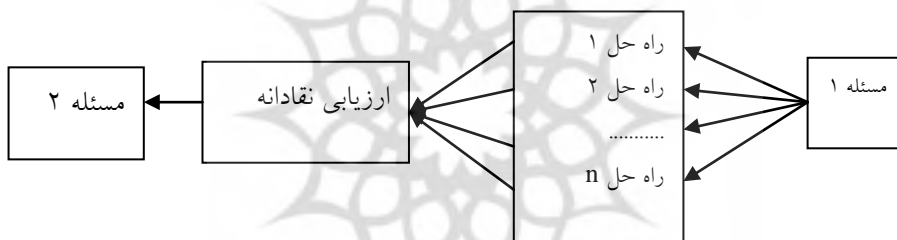
2. Dogmatic Attitude

3. Critical Thinking

طرفداران عقلانیت نقاد بر این باورند که ظرفیت‌های ادراکی و شناختی آدمیان محصول یک فرایند طولانی‌تطور است و این توانایی‌ها در تعامل با محیط پیرامون به طور مستمر گسترش می‌یابد. در این دادوستد و مبادله، واقعیت، تصورات باطل پژوهشگران را آشکار و ابطال می‌کند. از این رهگذر، محققان به دنبال تصحیح دیدگاه خود و حدس‌ها و گمانه‌های جدید می‌گردند. در هر مرحله‌ای، داور نهایی مدعای علمی واقعیت‌ها هستند. بنابراین، فرایند شناخت پویا، تدریجی و بی‌پایان است. در هر گامی، خطاها و نارسایی‌های حدس‌های پیشین تصحیح و گمانه‌های جدید کامل‌تر در مقایسه با پیشین ساخته می‌شود.

کالبد این روش‌شناسی را می‌توان در شکل زیر به تصویر کشید.

شکل ۱. فرآیند عقلانیت نقادانه



مأخذ: پایا، ۱۳۸۶

از منظر عقل‌گرایان نقاد، علم چیزی جز سلسله بی‌پایان از حدس‌ها و گمانه‌ها برای شکار واقعیت و تصحیح پیوسته این ساخته‌ها در مواجهه با واقعیت از رهگذر نقادی تجربی و عقلانی (منطقی و فلسفی) نیست (پایا، ۱۳۸۶). در این چارچوب فکری، رشد معرفت به معنای شناخت کارآمد از واقعیت، زمانی اتفاق می‌افتد که کثرت‌گرایی معرفتی وجود داشته باشد. با افزایش شمار و تنوع گمانه‌ها، شانس و احتمال شناخت حدس‌های بهتر افزایش می‌یابد. در این رهیافت، محقق می‌داند که فرضیه‌ها محصول ذهن و اندیشه و تفکر محدود انسان‌هاست و نمی‌تواند به دور از خطا باشد. بنابراین، این فرضیه‌ها و نظریه‌ها مقید به زمان بوده و تا زمانی که از آزمون‌های سخت سربلند بیرون آید کارکرد خواهد داشت. پس این حدس‌ها از قطعیت همیشگی برخوردار نبوده و موقتی تلقی می‌شوند. بنابراین، دستیابی به معرفت از طریق غربالگری و پالایش حدس‌ها در روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها به دست می‌آید.

۲-۲. "جهان ۱، جهان ۲، جهان ۳"

عقل‌گرایان نقاد واقعیت محسوس را به ۳ جهان تقسیم می‌کنند.

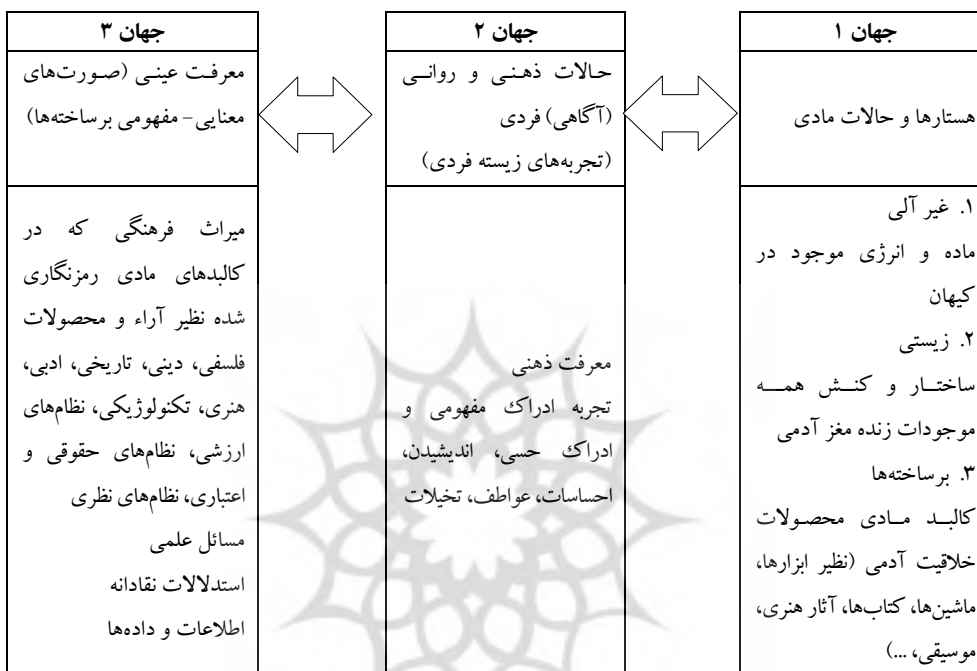
منظور از «جهان ۱» همان جهان فیزیکی است، یعنی درختان، سنگ‌ها، میدان‌ها و نیروهای فیزیکی، شیمی و بیولوژی. منظور از «جهان ۲» جهان «ذهن و روان» است. جهان ۲، جهان احساس بیم و امید، قوای معطوف به کنش و تمامی انواع تجربیات ذهنی است (اعم از تجربیات خودآگاه و ناخودآگاه). توضیح «جهان ۱» و «جهان ۲» ساده است ولی توضیح «جهان ۳» اندکی دشوار است. «جهان ۳»، نتیجه و برآیند تعامل دو جهان ۱ و ۲ است.

منظور از «جهان ۳» جهان فرآورده‌های ذهن انسان است. همچنین، آثار هنری و ارزش‌های اخلاقی و نهادهای اجتماعی در «جهان ۳» واقع‌اند. پوپر برای پیشبرد بحث، «جهان ۳» را عمدتاً به جهان کتابخانه‌های علمی، کتاب‌ها، مسائل علمی و نظریه‌ها (نظریه‌های درست و نادرست) محدود می‌کند.

کتاب‌ها، مجلات و کتابخانه‌ها هم به «جهان ۱» و هم به «جهان ۳» تعلق دارند. آنها دارای بعد فیزیکی هستند و، از این‌رو، به «جهان ۱» تعلق دارند و محدودیت‌ها و قوانین فیزیکی «جهان ۱» را دارا هستند. اما این فرآورده‌ها فقط متعلق به «جهان ۱» نیستند بلکه به «جهان ۳» نیز تعلق دارند. تمامی موضوعات انتزاعی نظیر مسائل و نظریه‌ها - و لو آنکه نادرست باشند - به «جهان ۳» تعلق دارند، اما این گونه نظریه‌ها این جهان را متناقض نمی‌کنند، زیرا در «جهان ۳» فقط یک نظریه، یا یک حکم و تصدیق و یا یک برهان نیست. این جهان مجموعه‌ای از موجودات زبانی، آثار هنری، نظریه‌ها و جز اینهاست که دارای محتوا، پیام یا معنا هستند.

برای نمونه جایگاه جنبه‌های معنایی و مفهومی نظریات اقتصادی در «جهان ۳» است و جایگاه مصداقی از این تئوری‌ها در قالب یک کتاب یا هر فرآورده‌ای در «جهان ۱» است که بر حالات ذهنی و روانی ما در «جهان ۲» اثر می‌گذارد. عناصر و ارتباط سه جهان در شکل (۲) نمایان است.

شکل ۲. عناصر سه جهان



مأخذ: پایا، ۱۳۸۶

برای شماره‌گذاری آنها به ۱، ۲ و ۳ دلیل تاریخی وجود دارد. ظاهراً جهان فیزیکی مقدم بر «جهان ۲» بوده است. ظهور «جهان ۳» ملازم ظهور و تکامل زبان ویژه و منحصر به فرد انسان بوده است. پوپر معرفت بشری را که در قالب زبان صورت‌بندی شده، مهم‌ترین صفت «جهان ۳» می‌داند. محصولات «جهان ۳» مانند نظریات با جهان فیزیکی ۱ تعامل دارد. ساده‌ترین مثال راه و روش‌هایی است که از طریق آن در «جهان ۱» تصرف می‌کنیم. راکتورهای هسته‌ای، آسمان‌خراش‌ها یا فرودگاه‌ها مطابق طرح‌ها و نظریه‌های «جهان ۳» ساخته می‌شوند.

دلیل اصلی بر موجودیت تجربیات ذهنی «جهان ۲» این است که ناگزیریم پیش از آنکه برای تصرف در «جهان ۱» از نظریه‌های «جهان ۳» بهره برداری کنیم، آن نظریه‌ها را فهم کنیم. فهم یک نظریه امری ذهنی و متعلق به «جهان ۲» است. «جهان ۳» معمولاً از طریق «جهان ذهنی ۲» با «جهان ۱» تعامل دارد. یک نمونه این تعامل، طراحی و ساخت انواع بولدوزرها و استخدام آنها در ساخت فرودگاه‌هاست.

نخستین مرحله تعاملی میان طرح‌های ذهن انسان - موجود در جهان ۲ - با محدودیت‌های درونی جهان ۱ و ۳ روی می‌دهد. یعنی محدودیت‌هایی که طراحی ماشین‌آلات با آن روبه‌رو هستند. در مرحله دوم تعاملی میان «جهان ۲» و مغز انسان - موجود در «جهان ۱» - روی می‌دهد. مغزی که اندام‌های هدایتگر بولدوزر را به عمل وامی‌دارد. قوت این دلیل در گرو موجودیت «جهان ۳» است. اگر این جهان موجود باشد و طرح‌های موجود در آن بر «جهان ۱» اثرگذار باشد آنگاه مسلم است که «جهان ۲» موجود است.

زبان و ذهن انسان تعاملی دو سویه دارند. بی‌تردید زبان انسان مبین فرآیند تفکر وی - جهان ۲ - است. اما بعد ذهنی «جهان ۲» هنگامی که در قالب زبان عینی صورت‌بندی می‌شوند، تفاوت چشمگیری پیدا می‌کند. میان زبان و ذهن انسان اثر بازخوردی نیرومندی وجود دارد. اگر فکری در قالب زبان صورت‌بندی شود آن فکر تبدیل به یک «عین» خارج از خویشتن ما می‌شود. از آن پس، این عینیت را می‌توان به صورت بین‌الذهانی مورد نقد قرار داد. به بیان روشن‌تر، دیگران هم می‌توانند مانند خود ما آن فکر را نقد کنند. نقد بین‌الذهانی یا عینی، فقط با ظهور زبان انسان و با تحقق «جهان ۳» محقق می‌شود.

بنابراین، بین اندیشیدن به یک فکر و صورت‌بندی آن در قالب زبان (به شکل مکتوب) تفاوت چشمگیری وجود دارد. زمانی که یک فکر فقط در اندیشه ما باشد قابلیت نقد شدن را ندارد و جزئی از خویشتن است. برای یک فکر نقدپذیری، باید در قالب زبان انسان صورت‌بندی شود و به یک عین - متعلق به جهان ۳ - تبدیل گردد. اندیشه‌های صورت‌بندی شده در قالب زبان که به «جهان ۳» تعلق دارند، نقدپذیر هستند.

تأثیر پوپر بر تفکرات روش‌شناسی اقتصاد معنادار و چالش‌برانگیز بوده است. نظریه‌های «ابطال‌گرایی»^۱، «منطق موقعیت»^۲ و «تفکر انتقادی»^۳ او تلاش‌های روش‌شناسان اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. برخی بر این باورند که پوپر تأثیر عظیم بر روش‌شناسی اقتصاد، پس از جنگ جهانی دوم، در مقایسه با سایر فیلسوفان داشته است (هندز^۴، ۱۹۹۳: ۶-۲۷۵).

برخی روش‌شناسان اقتصادی از قبیل (هاچینسون^۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۸۱)، (بلوگک^۶، ۱۹۸۰)، (بالند^۷، ۱۹۸۲) و (کلنت^۸، ۱۹۸۴) از چارچوب روش‌شناسی پوپر برای مطالعات تجربی اقتصاددانان بهره برده‌اند.

پوپر نظریات اقتصادی را در «جهان ۳» جای می‌دهد. اقتصاد محصول ذهن افراد است اما این محصولات فراتر از ذهن قرار می‌گیرند و مستقل از «جهان ۲» هستند. از این مرحله به بعد اثر فوق‌العاده‌ای در «جهان ۱» به واسطه «جهان ۲» دارند. او با این پیش‌فرض، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نظریه‌های اقتصادی در این تصمیم‌گیری که قایق ساخته شود یا هواپیما، مؤثرند؟ (پوپر، ۱۹۵۹). در «جهان ۳» اقتصاد ایستا نیست: اقتصاد در فضای پویای چهارگانه پوپری قرار دارد.

۲-۳. مسئله - راه حل آزمایشی - حذف خطا - مسئله

با این حال پوپر آگاه است که اغلب در علوم اجتماعی «مجبور به کار با نظریه‌هایی هستیم که بهترین تقریب هستند و لزوماً نمی‌توانند درست باشند» (پوپر، ۱۹۶۳: ۲۳۵). روشن است که اصل عقلانیت به «جهان ۳» مستقل تعلق دارد و از این نظر عینی است. افزون بر این، اصل عقلانیت جزء جدایی‌ناپذیر تئوری نئوکلاسیک‌ها در مدل‌سازی علوم اجتماعی است. همچنین، تئوری نئوکلاسیکی عینی و مستقل بوده اما لزوماً درست نیست. پس نقش آن چیست؟ این تئوری در «جهان ۳»، نقش اصل تنظیم‌کننده (برای مثال ایده‌آل در تصمیم‌گیری واقعی) ایفا می‌کند. از این منظر، عقلانیت دارای مفهوم عینی و خودمختاری^۹ است. به نظر می‌رسد نظریه سه جهان پوپر با واقع‌گرایی وی یکپارچه بوده و نظریه سه

-
1. Falsification
 2. Situational Analysis
 3. Critical Rationality
 4. Hands
 5. Hutchison
 6. Blaug
 7. Boland
 8. Klant
 9. Autonomous

جهان یک چارچوب ضروری برای جایگاه علوم انسانی به صورت عام و اقتصاد به طور خاص مشخص می‌کند (بویلنیز و اگرمن^۱، ۲۰۰۸) پوپر واقع‌گرایی علمی خود را با معیار تمیز^۲ معروف یعنی ابطال‌گرایی توسعه داد. او معیار بین علم و متافیزیک را آزمون‌پذیری و ابطال‌گرایی می‌داند. از نظر وی برخی مسائل علوم اجتماعی ریشه در مسائل عملی دارد. برای مثال تعبیر وی از فقر عبارت است از:

«یک مسئله کاملاً نظری این است که «چرا مردم فقیرند؟» که از این پرسش به نظریه دستمزدها و قیمت‌ها و غیره می‌رسیم. به بیان دیگر، یک نظریه صرف اقتصادی، به طور پیوسته، مشکلات نظری جدید ایجاد می‌کند. در توسعه نظریه، نظریه با مسائل متفاوت (به ویژه مسائل حل نشده) برخورد می‌کند. این نظریات به نظریه‌های متفاوت تبدیل می‌شوند و با حل این مسائل به رشد دانش کمک می‌کند (همان، ۲۰۰۸).

در این مثال پوپر معتقد است که سیاست‌های مبارزه با فقر باید بر پایه عقلانی تدوین و به کار گرفته شود. بر این اساس، پوپر فعالیت‌های عقلانی در حوزه عملی را در «جهان ۳» جای می‌دهد. «جهان ۲» باعث برقراری «جهان ۱ و ۳» می‌شود. تعامل «جهان ۱ و ۳» فقط با مداخله «جهان ۲» میسر است. ریاضیات و تئوری‌های «جهان ۳» می‌توانند «جهان ۱» را، به ویژه از طریق تکنولوژی، تغییر دهند. این نفوذ و اثرگذاری با واسطه «جهان ۲» میسر است.

تز اصلی پوپر در مورد «جهان ۲» این است که «تقریباً همه دانش‌های ذهنی^۳ واقع در «جهان ۲» وابسته به «جهان ۳» است. این وابستگی حداقل به دلیل فرموله کردن زبانی^۴ نظریه‌ها رخ می‌دهد. از این منظر، پوپر خودآگاهی کامل را وابسته به این نظریه‌ها (جهان ۳) می‌داند. او مختصات زبانی «جهان ۲» را وابسته به پارامترهای به دست آمده از نظریه‌های «جهان ۳» می‌داند. به طور خلاصه، هر چند «جهان ۳» ساخته بشر است ولی پارامترهای روانی «جهان ۲» وابسته به نظریه‌های «جهان ۳» است.

در برخورد با مسائل واقعی «جهان ۳» در حوزه اجتماعی، از عنصر عقلانیت بهره گرفته می‌شود. آنها برای برخورد با مسائل از مدل‌های «جهان ۳» از قبیل سیستم‌های فناوری، فیزیکی، بیولوژیکی و اطلاعاتی بهره‌برداری می‌کنند که حدسی و خطاپذیر هستند. با این وجود، برخلاف فیزیک، این مدل‌ها و نظریه‌ها که پیوسته از آنها استفاده می‌شود، از درجه پایین آزمون‌پذیری برخوردارند.

1. Boylanis and O’Gorman
2. Demarcation Criterion Of Science
3. Subjective Knowledge
4. Linguistically Formulated

مهندسی اجتماعی بر خلاف مهندسی فیزیکی بر دانشی استوار است که از آزمون‌پذیری اندک برخوردارند.

به طور خلاصه، بر مبنای تحلیل پوپر، در اقتصاد نئو کلاسیکی، اقدامات عقلانی از طریق فشار مسائل اجتماعی هدایت می‌شوند. از این نظر، نظریه سه جهان پوپر، اثرات منفی بر مهندسی اجتماعی ندارد و بر عکس موقعیت آن را تقویت می‌کند (بوپلند و اگرمن، ۲۰۰۸).

نظریه سه جهان پوپر حداقل دارای ۵ عنصر محوری است:

۱. «جهان ۱» (جهان فیزیکی) از طریق عوامل «جهان ۲» تحت تأثیر قرار می‌گیرد (عوامل ارادی).
۲. عوامل فردی «جهان ۲» در تعامل با «جهان ۱»، از نظریه‌ها و مدل‌هایی استفاده می‌کند که متعلق به «جهان ۳» و دارای دو خصیصه عینیت و خودمختاری هستند.
۳. فعالیت‌های فردی و اجتماعی در «جهان ۱» و همه تعاملات اجتماعی که طیف وسیعی از نهادها را دربردارند، ریشه در «جهان ۳» دارند از قبیل زبان، قوانین و مقررات و قراردادها.
۴. نهادهای واقع در «جهان ۳» که واقعی و مستقل بوده و پیامدهای ناخواسته اعمال بشری هستند به عنوان پدیده‌های «جهان ۳»، ریشه و روش کارشان شبیه «جهان ۱» نیست.
۵. عوامل «جهان ۲» به طور گسترده از «جهان ۳» به ویژه از زبان و نظریه‌های روان‌شناختی زبان، تغذیه می‌کنند.

۳. پیشنهاد موضوع

مک کلاسیکی (۲۰۰۲) در کتابی دلبستگی اقتصاددان به معناداری آماری و قضایای کیفی را با مثال‌های گوناگون به چالش کشیده و این دو را از گناهان اقتصاد دانسته است. وی علاقه‌مندی و تمسک اقتصاددانان به تبیین رفتارها از طریق متغیرهای p را به چالش کشیده و بر این باور است که کمتر اقتصاددانی یافت می‌شود که مطالعات برون‌رشته‌ای و آشنایی با زبان‌شناسی، فلسفه و نقد ادبی داشته باشد. او به همراه زیلیک با مطالعه یکی از معتبرترین نشریات اقتصادی، *آمریکن اکونومیک ریویو*^۲، در

۱. منظور از p ها عبارت است از: عقلانیت (prudence)، قیمت (price)، سود (profit)، مالکیت (property) و قدرت (power).

دهه ۱۹۸۰م، دریافته‌اند ۹۶ درصد مقالات از نظر پیام معناداری آماری مبهم هستند. وی نظریه‌پردازی کیفی و توسل اقتصاددانان به معناداری آماری در تحقیقات تجربی را نقادی کرده و چنین نتیجه‌گیری کرده که محصولات نشریات اقتصادی غیرعلمی و به مثابه علم محموله‌پرستی^۱ است. رشیدی آشتیانی و لاریجانی (۱۳۹۰) با بررسی ۹۹۴ مقاله ۷ فصلنامه اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که از ۹۹۴ مقاله، بیشترین فراوانی موضوعی مربوط به «اقتصاد مالی» ۱۵/۹ درصد «اقتصاد کلان و پولی» (۱۵/۸ درصد)، «اقتصاد بین‌الملل» (۱۵/۴ درصد) است.

در ایران مطالعاتی برای سنجش کیفیت مقالات نیز انجام یافته و در آن به نبود کارکردهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این مطالعات تاکید شده است (قانع‌راد و موسوی، ۱۳۸۷). آنها این کاستی‌ها و نارسایی‌ها را در ضعف ساختاری تقاضا در ایران، اقتصاد رانتی، اطمینان خاطر کاذب از جریان همیشگی درآمدهای منابع زیرزمینی، ضعف تقاضای بخش صنعت برای تولیدات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی دانسته‌اند. آنها بر این باورند که تولید علم در ایران از مدل خطی^۲ پیروی می‌کند که با بودجه پژوهشی آغاز و با تولید علم در دانشگاه‌ها ادامه می‌یابد و با انتشار مقاله پایان می‌پذیرد.

باقری‌نژاد (۱۳۸۷) دریافته است که ۷۰ درصد بنگاه‌های صنعتی فاقد ارتباط با دانشگاه هستند و ۶۰ درصد شرکت‌ها کمتر از ۱۰ قرارداد تحقیقاتی با دانشگاه داشته‌اند و ۸۰ درصد فاقد قرارداد بلندمدت هستند. از آن سو، ۶۰ درصد تحقیقات دانشگاه برای تولید هیچ محصول صنعتی به کار نرفته است.

منظور و طاهری (۱۳۹۲) نیز نقدی بر عقلانیت اقتصادی نوشته و به این نتیجه رسیده‌اند که تلفیق روانشناسی و اقتصاد، باعث شکل‌گیری «اقتصاد رفتاری» شده است.

۱. ریچارد فیمن فیزیکدان چنین فعالیت‌هایی را علم محموله‌پرستی نامید. در جنگ جهانی دوم، ارتش آمریکا محموله‌های خود را برای جنگ با ژاپن در قبیله‌ای در گینه نو پیاده کرد و کار این قوم رونق گرفت. بعد از جنگ، این قبیله به دنبال بازگشت به عصر رونق بودند. بنابراین محموله‌ها را برپا کردند. با مواد موجود، فرودگاه‌ها و هواپیماهای خنده‌دار ساختند. بر ساخته‌های آنها شبیه فرودگاه‌ها و هواپیماهای واقعی بودند اما واقعی نبودند. فیمن علوم ناپسند از دیدگاه خود را علوم محموله‌پرست می‌نامید.

۲. در مورد مدل‌های تولید دانش و ویژگی‌های آن می‌توانید به قانع‌راد و موسوی (۱۳۸۷) مراجعه کنید.

۴. بحث و تحلیل

این بخش دارای دو قسمت است. ابتدا گستره مقالات اقتصادی و سپس ملاحظاتی نقادانه ارائه می‌شود.

۴-۱. گستره مقالات اقتصادی در ایران: مصداقی از «جهان ۳»

مقالات اقتصادی جزء مهمی از «جهان ۳» رشته اقتصاد به شمار می‌رود. به تعداد ۱۲۸۵ مقاله از ۸ مجله علمی-پژوهشی اقتصادی نمایه شده در پایگاه استنادی جهاد دانشگاهی (SID)^۱، طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ ش، گردآوری شد. موضوعات مقالات بر مبنای عناوین، چکیده، واژگان کلیدی مقاله که ارتباط دقیق با اهداف مقاله دارند، شناسایی شده و بر اساس استاندارد بین‌المللی ادبیات اقتصادی^۲ طبقه‌بندی شده‌اند. گروه‌های اصلی این نمایه عبارتند از:

- کلیات علم اقتصاد و آموزش آن (۳ زیرگروه)
- تاریخ اندیشه اقتصادی، روش‌شناسی و رهیافت‌های دگراندیش (۶ زیرگروه)
- روش‌های کمی و ریاضی شامل (۱۰ زیرگروه)
- اقتصاد خرد شامل (۱۰ زیرگروه)
- اقتصاد کلان و اقتصاد پولی (۷ زیرگروه)
- اقتصاد بین‌الملل (۷ زیرگروه)
- اقتصاد مالی (۴ زیرگروه)
- اقتصاد عمومی (۹ زیرگروه)
- بهداشت، آموزش و پرورش و رفاه (۴ زیرگروه)
- اقتصاد کار و جمعیت‌شناسی (۹ زیرگروه)
- حقوق و اقتصاد (۵ زیرگروه)
- اقتصاد صنعتی (۱۰ زیرگروه)
- مدیریت اجرایی و اقتصاد کسب و کار (۶ زیرگروه)

۱. شامل مطالعات اقتصاد انرژی، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، پژوهش‌نامه اقتصادی پژوهشکده امور اقتصادی، اقتصاد و تجارت نوین، تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، پژوهش‌های اقتصادی ایران دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهش‌های اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهش‌نامه علوم اقتصادی دانشگاه مازندران و اقتصادمقداری دانشگاه شهید چمران.

- تاریخ اقتصادی (۱۰ زیرگروه)
 - توسعه اقتصادی، تحولات فناوری و رشد (۶ زیرگروه)
 - نظام‌های اقتصادی (۶ زیرگروه شامل اقتصاد اسلامی)
 - اقتصاد کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و بوم‌شناسی (۶ زیرگروه)
 - اقتصاد شهری، روستایی و منطقه‌ای (۶ گروه)
 - موارد متفرقه (۱۰ زیرگروه)
 - سایر موضوعات خاص (۳ زیرگروه)
- در کشورهای پیشرو در اقتصاد، دست کم در ۱۳۴ حوزه فکری و علمی مقاله منتشر می‌شود. در ایران گستره تحقیقات متفاوت است. یافته‌های آماری به دست آمده از مجلات اقتصادی ایران عبارتند از:
- ۹۶/۴ درصد کاربردی^۱، ۲/۹ درصد مطالعات عملی و ۱ درصد مقالات بنیادی هستند.
 - ۹۹ درصد مقالات به روش علت و معلولی انجام یافته‌اند.
 - بیش از ۹۵ درصد مقالات از روش‌های اقتصادسنجی بهره برده‌اند.
 - تمرکز مقالات مربوط به "اقتصاد کلان و پولی" ۱۵/۵۶ درصد، "اقتصاد بین‌الملل" ۱۵/۱۷ درصد، "اقتصاد مالی" ۱۲/۸۴ درصد، "اقتصاد کشاورزی و محیط زیست" ۱۰/۵۸ درصد، "اقتصاد خرد" ۹/۸ درصد بوده است. سهم این ۴ محور از مقالات منتشر شده بیش از ۶۰ درصد است (جدول ۳).
- محورهای فکری مانند تاریخ اندیشه اقتصادی، نظام‌های اقتصادی و تاریخ اقتصادی و حتی برنامه‌های پژوهشی جدید، از قبیل حقوق و اقتصاد، اقتصاد شهری، محیط کسب و کار و بهداشت و آموزش اقتصاد، مورد توجه و استقبال پژوهشگران ایرانی نبوده است. به نظر می‌رسد دسترسی به منابع و پایگاه‌های داده اقتصاد کلان و خرد در هدایت و جهت‌گیری علایق محققان مؤثر بوده و ظاهراً مسئله‌یابی و تحقیق در زمینه‌های نو که همچون کار در معدن دشوار و طاقت‌فرساست، در کانون توجه محققان نیست. این یافته‌ها با دستاوردهای سایر دانشوران نیز همخوانی دارد.

۱. این طبقه‌بندی بر اساس نظر نویسندگان مقالات است که مورد نقد قرار گرفته است. به نظر نگارنده نمی‌توان این مقالات را کاربردی نام‌گذاری کرد.

جدول ۳. محتوای موضوعی مقالات در ایران بر مبنای طبقه‌بندی ادبیات بین‌المللی اقتصادی

موضوع	فراوانی	فراوانی	تجمعی فراوانی
اقتصاد کلان و اقتصاد پولی	۲۰۰	۱۵/۵۶	۱۵/۵۶
اقتصاد بین‌الملل	۱۹۵	۱۵/۱۷	۳۰/۷۳
اقتصاد مالی	۱۶۵	۱۲/۸۴	۴۳/۵۷
اقتصاد کشاورزی، محیط زیست....	۱۳۶	۱۰/۵۸	۵۴/۱۵
اقتصاد خرد	۱۲۶	۹/۸۰	۶۳/۹۵
سازماندهی صنعتی	۹۸	۷/۶۲	۷۱/۵۷
اقتصاد عمومی	۸۰	۶/۲۲	۷۷/۷۹
توسعه اقتصادی، تحولات فناوری و ...	۷۵	۵/۸۳	۸۳/۶۲
اقتصاد کار و جمعیت‌شناسی	۶۳	۴/۹۰	۸۸/۵۲
اقتصاد شهری، روستایی و منطقه‌ای	۴۵	۳/۵۰	۹۲/۰۲
بهداشت، آموزش و پرورش و رفاه	۳۶	۲/۸۰	۹۴/۸۲
تاریخ اندیشه اقتصادی، روش‌شناسی...	۱۸	۱/۴۰	۹۶/۲۲
مباحث خاص	۱۵	۱/۱۶	۹۷/۳۸
حقوق و اقتصاد	۸	۰/۶۲	۹۸
روش‌های کمی و ریاضی	۸	۰/۶۲	۹۸/۶۲
مدیریت اجرایی و اقتصاد کسب و کار...	۶	۰/۴۶	۹۹/۰۸
نظام‌های اقتصادی	۵	۰/۳۹	۹۹/۴۷
تاریخ اقتصادی	۴	۰/۳۱	۹۹/۷۸
کلیات علم اقتصاد و آموزش آن	۲	۰/۱۵	۹۹/۹۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

۴-۲. ملاحظات نقادانه

چارچوب‌های پنداشتی به همراه خلاصه‌ای از مشارکت‌های علمی مجلات اقتصادی روشن شد. در ادامه، انتقاداتی در قالب نظریه سه جهان و تفکر انتقادی مطرح شده است.

۴-۱-۱. ضعف محصولات جهان ۳

معمولاً برای علم دو کارکرد تعریف می‌شود: پیش‌روندگی در مرزها و تأمین نیازهای زندگی. علم یا

مرزهای فهم بشری را گسترش می‌دهد یا نیازهای زندگی را تأمین می‌کند. بی‌تردید تعداد مقالات^۱ انتشار یافته معیاری ناقص برای پیشرفت یک علم است. علم باید بتواند در گره‌گشایی مشکلات (حل مسئله) مفید و مؤثر باشد.

شواهد نشان می‌دهد که تقریباً همه مقالات اقتصادی در ایران به زعم نویسندگان با رویکردی کاربردی نوشته می‌شود. در به‌کارگیری مطالعات کاربردی نیز مغالطه صورت می‌گیرد. منظور از مطالعات کاربردی - دست‌کم آنچه که در کشور ما رواج دارد - استفاده از داده‌ها برای آزمون نظریه یا فرضیه‌ای در سطوح مختلف است و به مفهوم کنکاش یک مسئله حل نشده به منظور ارائه و پیشهاد راهکار اجرایی نیست؛ بدین معنا که مسئله‌ای حل نمی‌شود. به نظر می‌رسد مسئله محوری سرلوحه تحقیقات دانشگاهی نیست و انگیزه‌های دیگری در جهت‌دهی اندیشه‌های مطالعاتی دانش‌آموختگان اقتصادی مؤثر است.^۲ بنابراین، در مورد سودمندی این مقالات برای جامعه تردید وجود دارد. همان‌گونه که بیان شد "حل مسئله" یکی از معیارهای پیشرفت علم است که به نظر می‌رسد بیشتر مقالات اقتصادی فاقد چنین فایده‌ای هستند.

در مجموع می‌توان گزاره‌های علمی را به دو گروه عمده تقسیم کرد: گزاره‌های واجد محتوای قابل نقد؛ و گزاره‌های تحلیلی که هیچ اطلاعی درباره‌ی واقعیت ارائه نمی‌کنند (پایا، ۱۳۹۳). عمده مقالات اقتصادی انتشار یافته در ایران گزاره‌های تحلیلی هستند که با استفاده از روابط ریاضی صورت‌بندی می‌شوند.^۳ همچنین، موجه‌سازی از دیگر آفت‌های تحقیقات اقتصادی است. به دیگر سخن، در تحقیقات اقتصادی، پژوهشگران بیش از تعهد به مشاهدات و حقایق آشکار شده، به دنبال

۱. هارولد هوتلینگ، با انتشار فقط دو مقاله در دوران زندگی خود، اقتصاد انرژی را تحت تأثیر قرار داد و همواره مورد ارجاع و استناد بسیاری از تحقیقات اقتصادی بوده است. در مقابل هزاران مقاله منتشر شده در ایران با کمترین اقبال و ارجاع روبه‌رو بوده‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱).

۲. تحلیل این موضوع به تحلیل‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیازمند است که خارج از اهداف مقاله است.

۳. باید به این نکته ظریف و چالش‌برانگیز توجه داشت که هدف این مقاله نقد استفاده از ریاضیات در اقتصاد نیست. بی‌تردید ریاضی در ساماندهی و همگرایی نظریات پراکنده به علم اقتصاد کمک زیادی کرده است. کانون بحث این مقاله جابه‌جایی هدف و ابزار در یک رشته علمی است. در بسیاری از موارد، مسئله و مفهوم در اقتصاد جایگاه رفیع خود را از دست داده و چگالی ریاضیات در مقالات مبنای سنجش مشارکت‌های علمی آنان به حساب می‌آید و لو اینکه در عمل هیچ مسئله‌ای در دنیای واقعی حل نشده باشد.

دفاع از نظریه‌ها هستند و در رویایی با تضاد نظریه و شواهد، در بیشتر موارد از نظریه‌ها جانبداری می‌کنند و در این راه گاهی گرفتار موجه‌سازی می‌شوند و، به تعبیر سولو، بیشتر و بیشتر خود را گول می‌زنند.

محصولات «جهان ۳» اقتصادی نشان‌دهنده تعصب محققان به الگوهای حاکم است. محققان اقتصادی به علم نرمال^۱ تعصب دارند. پرسش جدی این است که آیا محققان ابتدا مسئله را حل و سپس مقاله‌ای منتشر می‌کنند یا هدف صرفاً تولید مقاله است؟ چنین استنباط می‌شود که در کشورهای توسعه یافته رابطه از طرف حل مسئله به سوی تولید مقاله است و این رابطه در ایران بسیار ضعیف است.

متأسفانه مشارکت اقتصاددانان در پژوهش‌های تجربی بیشتر شبیه بازی تنیسی است که توری در آن وجود ندارد. به جای کوشش برای ابطال پیش‌بینی‌های آزمون‌پذیر، اقتصاددانان بیشتر تلاش خود را صرف این نکته کرده‌اند که دنیای واقعی با پیش‌بینی‌های آنها سازگار است و، بدین ترتیب، امر اثبات را که کاری سهل است، جایگزین ابطال نظریه‌ها کرده‌اند که کاری دشوارتر است.

نشریات اقتصادی پر از مقالاتی است که تحلیل رگرسیونی را برای بررسی هر مسئله قابل تصور اقتصادی به کار می‌برند اما آشکار است که موفقیت در چنین تلاش‌هایی اغلب متکی بر کتاب آشنایی اقتصادسنجی است. فرضیه‌ای را به شکل معادله بیان و اشکال مختلف آن معادله را تخمین و بهترین برآزش را انتخاب و سپس استدلال خود را برای عقلانی کردن فرضیه تنظیم می‌کنند (بلاگ، ۱۹۹۴).

با اینکه بسیاری از دانش‌آموختگان اقتصاد به پیش‌فرض‌ها، الگوها و مدل‌های نظریات نئوکلاسیکی برای تبیین توسعه نیافتگی ایران تردید دارند ولی در عمل به آن دل بسته‌اند و به سایر نحله‌های فکری که از توانایی لازم برای تفسیر برخی جنبه‌های اقتصاد ایران، نسبت به سایر مکاتب، برخوردارند، بی‌اعتنا هستند. به نظر می‌رسد اقتصاددانان در ایران کمتر به دنبال حل مسئله هستند.

به ندرت مطالعه‌ای در حوزه علم‌شناسی و معرفت‌شناسی و نقادی پیدا می‌شود. یکی از علل این اتفاق، کم‌اقبالی مجلات تخصصی به اینگونه مطالعات است. مطالعات روش‌شناسی، تحلیل‌های تاریخی و تفکر نقادانه کمتر دغدغه فکری اقتصاددانان ایرانی است.

۴-۱-۲. ضعف تجربه زیسته فردی (جهان ۲) و درک نادرست «جهان ۱»

محققان اقتصادی به جای تکیه بر واقعیت‌ها بیشتر در کتابخانه‌ها و محیط‌های دانشگاهی بی‌مسئله حضور

دارند و عمدتاً با اتکا به کارکردهای زبانی آنها آشنایی عملی کمتری با محیط‌های کسب و کار دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که تجربه‌های فردی آنها (جهان ۲) از غنای لازم برخوردار نیست و بر همین اساس، در قلمرو علمی (جهان ۳) نیز محصولات علمی اثرگذار کمتر یافت می‌شود.

بهترین روش برای وجود «جهان ۲» این است که حلقه اتصال جهان ۳ و ۱ است. مقالات منتشر شده نشان از ضعف «جهان ۲» در دانشوران اقتصادی است. اگر «جهان ۲» از غنای لازم برخوردار باشد و آستانه درک و آگاهی فراتر رود عقل برای صورت‌بندی این مشکلات و نظریه‌پردازی، به کار خواهد افتاد (جهان ۳) و زمینه برای ایجاد تغییر در «جهان ۱» فراهم می‌شود. این اتفاق سطح خودآگاهی را در «جهان ۲» تغییر می‌دهد و حدس‌های جدید برای درک واقعیت در «جهان ۱» مطرح خواهد شد. این فرآیند پویای پژوهش پیوسته در سه جهان در حرکت است.

به نظر می‌رسد ارتباط بین «جهان ۲» و «جهان ۳» ضعیف و به تبع آن جهان اول و تغییر آن نیز با مشکلاتی روبه‌روست. هرچه محققان بیشتر به زمینه‌های ناشناخته و حل نشده وارد شوند شانس رشد علم افزایش می‌یابد. در نبود این روحیه علمی، از رشد علم خبری نخواهد بود.

۴-۱-۳. نبود تفکر انتقادی و ضعف ارتباط بین سه جهان

در مقالات انتشار یافته به ندرت مقاله‌ای با تفکر نقادانه یافت می‌شود. به ندرت دیدگاه‌ها در دانشکده‌های اقتصاد ایران به نقد گذاشته می‌شود، تا نقدی صورت نگیرد علم رشد نخواهد کرد. در بسیاری از کشورهای صاحب نام در دانش، «روش نقد اندیشه‌ها» به عنوان یک درس عمومی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. شاید سال‌ها طول بکشد تا چنین مباحثی در رشته اقتصاد در ایران بگنجد. وقتی از سولو سؤال می‌شود که خطای اقتصاددانان در مطالعات تجربی چیست؟ پاسخ می‌دهد که بخش اعظم مطالعات تجربی‌شان نقد نمی‌شود و آنها با اصلاحاتی در روش‌های بررسی، بیشتر خود را گول می‌زنند (سوئد برگ، ۱۹۹۰).

کثرت‌گرایی در تولیدات علمی اندک است. پژوهشگران اقتصادی کمتر به مسائل واقعی توجه دارند. بر همین اساس در مورد دستیابی این مطالعات به حقیقت، باید محتاط بود. معمولاً کثرت‌گرایی اندیشه‌ها تحمل نمی‌شود و نقد اندیشه با نقد صاحب اندیشه یکسان پنداشته می‌شود. تنها در یک محیط علمی کثرت‌گراست که امکان رشد دانش افزایش می‌یابد. از رهگذر این نقادی رشد علم اتفاق می‌افتد.

داستان علم اقتصاد متأسفانه ماجرای تولید گلخانه‌ای علم است که حاضر به روبه‌رو شدن با مخاطرات نیست و صرفاً دل بسته به محصولات آماده و بسته‌بندی شده از خارج است. مدل‌گرایی آن چنان میان اقتصاددان رایج است که حتی دانشگاهیانی که به این مدل‌ها به نظر تردید می‌نگرند، هنگام نگارش مقاله از این روش‌ها بهره می‌گیرند و به نتیجه رسیده‌اند که تنها راه نگارش و انتشار مقاله در ایران، صورت‌بندی ریاضی است.

بنابراین، مسئله محوری و مشکل‌گشایی در کانون برنامه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها نیست. نمونه این مدعا بسیاری از مشکلات ریز و درشت کشور از قبیل بیکاری، تورم، قفل شدگی به نفت، توزیع نامناسب درآمد و... است که پیشینه برخی از آنها به یک قرن می‌رسد. تاکنون کدام یک از مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی الگویی برای کاهش و رهایی اقتصاد کشور از درآمدهای نفتی ارائه کرده است؟ کدام یک از دانشکده‌های اقتصاد برنامه عملیاتی برای کنترل تورم پیشنهاد داده‌اند؟

از تعامل میان «جهان‌های ۲ و ۳» رشد علم می‌تواند صورتی بهینه پیدا کند. زیرا در «جهان ۳» است که امکان نقادی اندیشه‌ها فراهم می‌آید. وقتی اقتصاددانان با یکدیگر گفتگوی علمی نمی‌کنند در واقع «جهان ۳» معرفتی خود را فقیرتر می‌کنند. فقر این جهان به نوبه خود، فقر جهان تجربه‌های زیسته را در پی خواهد داشت.

بی‌تردید بین «جهان ۲» محققان با «جهان ۳» آنها ارتباطی عمیق وجود دارد. برای رشد علم، فراهم آوردن زمینه برای نقادی دیدگاه‌ها به منظور آشکارساختن کاستی‌های آنها و درس‌گیری از این اشتباهات برای درک بهتر واقعیت ضروری می‌نماید.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف این مقاله ارزیابی نقادانه مقالات منتشر شده در ایران با تکیه بر نظریه سه جهان و تفکر انتقادی پوپر است. مجموعاً ۱۲۸۵ مقاله علمی-پژوهشی گردآوری و بر مبنای طبقه‌بندی مجله *ادبیات اقتصادی* ساماندهی شدند. تحلیل‌های آماری به روشی نشان می‌دهد که ۹۶ درصد مقالات، با عنوان "کاربردی" و ۹۹ درصد با "روش علی" و با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادسنجی در محورهای "اقتصاد کلان و پولی"، "اقتصاد بین‌الملل"، "اقتصاد مالی" و "اقتصاد کشاورزی و محیط زیست" نگارش شده‌اند. یافته‌های مبتنی بر تحلیل این نوشته‌ها با نظریه سه جهان و تفکر نقادی پوپر آشکارا نشان می‌دهد که گستره «جهان ۳» پژوهش‌های اقتصادی محدود است که علت آن فقر «جهان ۲» دانشوران اقتصادی است. با توجه به فقر «جهان ۲ و ۳»، اثرگذاری دانش‌آموختگان در «جهان ۱» نیز اندک است. از اهم

دلایل فقر معرفتی پژوهش‌ها می‌توان به مسئله محور نبودن، صورت‌بندی ریاضی، مدل‌گرایی افراطی و پرهیز از روش‌شناختی متنوع اشاره کرد.

بررسی و ارزیابی قوت، کیفیت و ضعف ترجمه‌ها و تألیف‌ها، فعالیت متنوع نشریات تخصصی، گسترش فعالیت‌های نقادانه در رسانه‌های عمومی، مسئله محوری شدن دانشگاه‌ها موجب خواهد شد دامنه آگاهی‌ها گسترش یابد و بدین طریق «جهان ۲» دانش‌آموختگان غنی خواهد شد.

از دیگر راهکارها برای تقویت «جهان ۳»، طراحی معرفت‌های نوع دوم است. وقتی یک شاخه علمی گسترش می‌یابد معرفت‌های جدیدی برای ارزیابی قوت و ضعف نظریه‌ها شکل می‌گیرد که اصطلاحاً به آن معرفت‌های نوع دوم گفته می‌شود. نقش علوم مرتبه دوم ارزیابی نقادانه معرفت‌های مرتبه نخست است. هر اندازه توصیف و تجویز آنها دقیق باشد زمینه برای تحولات علمی فراهم خواهد شد (پایا، ۱۳۸۶). برای مثال معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم اقتصاد از معرفت‌های نوع دوم است.

دغدغه اصلی رشته‌های علوم اجتماعی باید همین انسان‌های پوست و گوشت و خون‌دار باشد زیرا اینها واقعیت هستند. او اگر افسرده یا فقیر باشد یعنی پیشرفت آن با مشکل همراه است. کاستن از رنج انسان‌ها معیار مناسبی برای علوم اقتصادی به حساب می‌آید.

اگر بخواهیم دانش و توانایی خود را گسترش دهیم باید بین واقعیت‌ها و نظریات هماهنگی ایجاد شود. هر چه بیشتر فراگیریم بر کمبود دانش خود بهتر پی می‌بریم. هر پیشرفتی رازی تازه و مشکلی نو بر ما می‌گشاید. باید زمینه‌ها برای کثرت‌گرایی معرفتی، رشد معرفت‌های نوع دوم و فضا برای تفکر نقادانه در دانشکده‌های اقتصادی فراهم شود و دانشوران اقتصادی با آموخته‌های سایر رشته‌ها از قبیل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، فلسفه آشنا شوند تا با تقویت جهان سوم خود، آستانه درک و آگاهی خود را تغییر دهند. در این وضعیت رشته اقتصاد متناسب رشد خواهد کرد و بهره‌های زیادی برای انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد. با طرح دیدگاه‌های مختلف، ترویج تفکر نقادانه، آشنایی با معرفت‌های نوع دوم و رشته‌های علوم اجتماعی، پیشرفت‌های تازه گشوده خواهد شد و این علم را در حل مسائل جامعه تواناتر خواهد کرد.

منابع

- اکبری تختمشلو، جواد و زیبا کلام، سعید (۱۳۹۰). "عقلانیت در فلسفه علم پوپر". فصلنامه علم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. شماره ۲. ص ۶۴-۲۵.
- باقری نژاد، جعفر (۱۳۸۷). "سیستم ارتباط دانشگاه و صنعت برای توسعه فناوری در ایران: سازوکارها و پیشنهادها". فصلنامه سیاست علم و فناوری. سال اول. شماره ۱. ص ۱۴-۱.
- بوت، آرتور (۱۳۶۹). مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلاگ، مارک (۱۹۹۴). روش شناسی علم اقتصاد: اقتصاددانان چگونه تبیین می‌کنند. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. ویرایش دوم. تهران: نشر نی.
- پایا، علی (۱۳۸۳). "موانع پیشرفت علوم انسانی در ایران". نامه‌ی آموزش عالی. مجلد اول. شماره ۷.
- _____ (۱۳۸۶). "عقلانیت نقادانه و منطقی موقعیت: رهیافتی کارآمد برای روش‌شناسی دانش‌آموزش و پرورش". فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۶. پیاپی ۲۱. ص ۴۸-۱۱.
- _____ (۱۳۹۳). "آینده علوم انسانی در ایران". فصلنامه حوزه و دانشگاه. سال دوازدهم. شماره ۱۴. ص ۲۳-۱۰.
- _____ (۱۳۹۳). "پاسخ به ملاحظات نقادانه دکتر سوزنچی". قابل دسترس در وب سایت نیلوفر. تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۲/۲۵.
- _____ (۱۳۹۳). "عقلانیت نقاد و هیاهوی مدل‌های جدید فکری". ماهنامه فرهنگ و علوم انسانی. شماره ۴. ص ۶۹-۶۳.
- پوپر، کارل ریموند (۱۹۷۳). "آزادی و نظریه جهان‌های سه‌گانه (نفی موجبیت کافی نیست)". ترجمه احمد آرام. مجله کیان. شماره ۹. ص ۹-۱.
- داود، منظور و طاهری، مجتبی (۱۳۹۲). "عقلانیت اقتصادی در بوته نقد اقتصادی رفتاری". فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. دوره ۲۱. شماره ۶۸. ص ۱۷۴-۱۵۹.
- رشیدی آشتیانی، اعظم و حسن لاریجانی، حجت‌اله (۱۳۹۰). "تحلیل محتوای نشریه‌های علمی-پژوهشی در حوزه اقتصاد در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵". فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. شماره ۳. ص ۱۵۷-۱۳۳.
- سجادی، سیدهدایت (۱۳۹۰). "روش‌شناسی علمی پوپر". فصلنامه فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. شماره اول. ص ۵۹-۳۷.

صادقی، فواد؛ جمشیدی، مریم و کلاتری، سیدعمار (۱۳۹۱). "چالش نظریه‌پردازی و علم‌افزایی در تولیدات علمی ایران". فصلنامه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۲). ص ۷۳-۵۱.

قانع‌راد، محمد امین و موسوی، آراد (۱۳۸۷). "نظریه‌های دانش و ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران". فصلنامه سیاست علم و فناوری. سال اول. شماره ۴. ص ۷۲-۵۹.

کولینجر، فرد. ان. (۱۳۷۴). مبانی پژوهش در علوم رفتاری (جلد اول). ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات آوای نور.

لازی، جان (۱۳۷۷). درآمدهای تاریخی به فلسفه علم. ترجمه علی پایا. تهران: انتشارات سمت.

مک کلاسی، دئیر (۲۰۰۲). گناهان پنهان علم اقتصاد. ترجمه ابوالقاسم مهدوی. ۱۳۸۵. تهران: نشر نی.

ملکیان، مصطفی (۱۳۹۳). مجموعه گفتارهای انتقادی. قابل دسترس در وب سایت نیلوفر، تاریخ دستیابی ۱۳۹۳/۴/۱۰.

_____ (۱۳۹۴). مفهوم‌شناسی توسعه. قابل دسترس در وب سایت نیلوفر در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲.

- Blaug, M.** (1980). *The Methodology of Economics* (2nd edn 1992). Cambridge: Cambridge University Press.
- Boland, L.** (1982). *The Foundations of Economic Method*, London: Allen and Unwin.
- Boylan, Thomas A. & O'Gorman, Paschal, F.** (2008). *Popper and Economic Methodology: Contemporary challenges*, Rutledge. Taylor & Francis Group. USA and Canada.
- Dennis, A. D.** (2007). "The impact of the open access movement on medical based scholarly publishing in Nigeria". Retrieved from the World Wide Web: <http://firstmonday>.
- Hands, D. Wade** (1993). "The methodology of economic research programs". *Philosophy of the Social Sciences*. 9. Pp. 293-303.
- Hutchison, T. W.** (1976). "On the history and philosophy of science and economics". in S. Latsis (ed.), *Method and Appraisal in Economics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- _____ (1977). *Knowledge and Ignorance in Economics*. Oxford: Basil Blackwell.
- _____ (1978). *On Revolution and Progress in Economic Knowledge*. Cambridge: Cambridge.
- _____ (1981). *The Politics and Philosophy of Economics: Marxians, Keynesians, and Austrians*. Oxford: Basil Blackwell.
- _____ (1988). "The case for falsifications", in N. de Marchi (ed.). *The Popperian Legacy in Economics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- _____ (2000). *On the Methodology of Economics and the Formalist Revolution*. Cheltenham: Edward Elgar.
- Klant, J.** (1984). *The Rules of the Game: The Logical Structure of Economic Theories*. trans. Swart. Cambridge: Cambridge University Press.
- Laudan, L.** (1977). *Progress and its Problem: Towards a Theory of Scientific Growth*. University of California Press.

- Luzadis, V. A.; Castello, L.; Choi, J.; Greenfield, E.; Kim, S.; Munsell, J.; Nordman, E.; Franco, C. & Olowabi, F.** (2010). "The science of ecological economics: A content analysis of Ecological Economics 1989–2004". *Annals of the New York Academy of Sciences*. 1185 (1). Pp. 1–10.
- Neuman, W.C.** (1997). *Social Research Methods, Qualitative and Quantitative Approaches*. 3rd ed. London: Allyn and Bacon.
- Popper, K. R.** (1979). *Objective knowledge*. revised ed., Oxford university press: New York.
- (1957). *The Aim of Science, IN: a Pocket Popper*. Ed. David Miller, and Fontana Press, Second Published.
- (1957). *The myth of the framework*. 1th edition. London: Rutledge.
- (1959). *The Logic of Scientific Discovery*. 4th edition: London.
- (1963). *Conjectures and refutations*. 4th edition. London: Rutledge.
- Swedberg R.** (1990). *Economics and Sociology. Redefining Their Boundaries: Conversations With Economists And Sociologists*. Princeton: Princeton University Press.

